

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 6, Summer 2022, 1-28
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.34169.2084

A Critical Review on the Book ***An Introduction to Cognitive Linguistics***

Parsa Bamshadi*

Abstract

The present paper has been written with the aim of analyzing and reviewing the Persian translation of *An Introduction to Cognitive Linguistics* by Jahanshah Mirzabeigi (2018). Analyzing the English version of the book revealed that, although it is one of the main and well-known textbooks in the field, it has some deficiencies among which we can mention insufficient attention to the basic principles and assumptions of cognitive linguistics, language universals and linguistic diversity from the perspective of cognitive linguistics, embodiment and the embodied basis of language and cognition. Also, although some issues in cognitive semantics, such as metaphor, metonymy, image schemas, and conceptual blending are well addressed in the book, some other issues such as force dynamics are neglected. Analyzing the Persian translation of the book showed that there are some deficiencies and drawbacks, the most important of which are: inappropriate equivalents for certain technical and non-technical terms, relatively considerable errors in translation of words, expressions, and sentences, and numerous errors in intra- and extra-textual references. In this regard, it is suggested that the book should be revised in terms of spelling, eloquence, and translation accuracy.

Keywords: Cognitive Linguistics, Metaphor, Categorization, Image Schema, Conceptual Blending.

* PhD in Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, parsa.bamshadi@gmail.com

Date received: 2022/03/04, Date of acceptance: 2022/07/30



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و نقد کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی

پارسا بامشادی*

چکیده

این مقاله با هدف بررسی و نقد کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی، نوشته اونگر و اشمیت با ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی (۱۳۹۷)، نوشته شده است. پس از بررسی متن انگلیسی کتاب مشخص شد که گرچه این کتاب یکی از منابع اصلی و شناخته‌شده زبان‌شناسی شناختی است، کاستی‌هایی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به توجه ناکافی به بنیادها و فرض‌های اساسی زبان‌شناسی شناختی، جهانی‌های زبان، تنوع زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، و بدن‌مندی و شالوده جسمانی زبان و شناخت اشاره کرد. همچنین، هرچند درباره برخی از مباحث مطرح شده در معناشناسی شناختی هم‌چون استعاره، مجاز، طرح‌واره‌های انگاره‌ای، و آمیختگی مفهومی به‌خوبی بحث شده است، به برخی از مباحث آن هم‌چون نیروپویایی چندان توجه نشده است. پس از بررسی ترجمه اثر، کاستی‌ها و ایرادهایی در آن مشاهده شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: معادل‌گزینی‌های نامناسب برخی اصطلاحات تخصصی و گاه غیرتخصصی، اشکالات چشم‌گیر در برگردان واژه‌ها، عبارت‌ها، و جمله‌ها به فارسی که آن‌ها را می‌توان تحت عناوین نادرستی ترجمه، نارسایی ترجمه، و نایک‌نواختی ترجمه مطرح کرد، و اشکالات پرشمار در ارجاع‌های درون‌متنی و برون‌متنی. از این رو، پیش‌نهاد می‌شود که کتاب از نظر املائی، انشایی، و ترجمه‌ای بازنگری شود.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، استعاره، مقوله‌بندی، طرح‌واره انگاره‌ای، آمیختگی مفهومی.

* دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، parsa.bamshadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی نسبتاً نوپدید، اما دارای رشد شتابان در مطالعه زبان است که از دهه ۱۹۸۰ با پژوهش‌های جورج لیکاف (George Lakoff)، رونالد لانگاکر (Ronald Langacker)، چارلز فیلمور (Charles J. Fillmore)، و لئونارد تالمی (Leonard Talmy) آغاز شد و تا امروز همواره در حال پیشرفت و گسترش بوده است. امروزه، زبان‌شناسی شناختی به چهارچوب پژوهشی پربار و چندسویه‌ای تبدیل شده است که ابزارهای تازه‌ای را در اختیار بسیاری از شاخه‌های مطالعه زبان می‌گذارد و به طیفی از قلمروهای پژوهشی در زبان‌شناسی انسجام می‌بخشد (Dancygier 2017: 1). در پایان سده بیستم و آغاز سده بیست‌ویکم، زبان‌شناسی شناختی به درجه‌ای از بالندگی رسید که چندین درآمد برای آن نوشته شد و برای آشنایی دانشجویان و زبان‌پژوهان با این رویکرد و گسترش هرچه بیشتر آن امکانی فراهم شد. یکی از نخستین کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی شناختی، *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* (An Introduction to Cognitive Linguistics) نوشته فریدریش اونگر و هانس یورگ اشمیت (F. Ungerer and H. J. Schmid) است که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. پنج سال پس از این تاریخ، *زبان‌شناسی شناختی: یک درآمد* از دیوید لی (D. Lee 2001) و سه سال بعدتر، کتاب *زبان‌شناسی شناختی کرافت و کروز* (Croft and Cruse 2004) منتشر شد. در سال ۲۰۰۶، هم کتاب *زبان‌شناسی شناختی: یک درآمد اثر اوانز و گرین* (Evans and Green 2006)، هم ویراست دوم کتاب اونگر و اشمیت، و هم نخستین دست‌نامه زبان‌شناسی شناختی (Geeraerts et al. 2006) توسط انتشارات موتون دِ گرویتز (Mouton de Gruyter) وارد بازار کتاب شد. در سال ۲۰۰۷ نیز نخستین واژه‌نامه زبان‌شناسی شناختی به قلم اوانز انتشار یافت و دست‌نامه زبان‌شناسی شناختی آکسفورد (Geeraerts and Cuyckens 2007) را انتشارات دانشگاه آکسفورد چاپ و منتشر کرد. در مجموع، می‌توان گفت که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ دست‌کم، به دلیل انتشار کتاب‌های مقدماتی سترگ و دست‌نامه‌های گران‌سنگ، سال‌های پرباری برای زبان‌شناسی شناختی بوده است.

پژوهش پیش‌رو به بررسی و نقد ویراست دوم کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* نوشته فریدریش اونگر و هانس یورگ اشمیت می‌پردازد که جهان‌شاه میرزابیگی در سال ۱۳۹۷ آن را به فارسی برگردانده و انتشارات آگاه منتشر کرده است.

جهانشاه میرزاییگی در سال‌های اخیر به ترجمه بسیاری از برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کتاب‌های مرجع در زبان‌شناسی شناختی پرداخته و در این زمینه تلاشی ستودنی و گسترده کرده است. کتاب‌های دیگری که وی در زمینه زبان‌شناسی شناختی ترجمه کرده است، عبارت‌اند از: الف-ب زبان‌شناسی شناختی (۱۳۹۸)، مبانی دستور شناختی (۱۳۹۷)، زبان‌شناسی شناختی: یک مقدمه (۱۳۹۷)، استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم (۱۳۹۷)، از مولکول تا استعاره (۱۳۹۷)، استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره (۱۳۹۶)، زیبایی‌شناسی فهم انسان: معنای بدن (۱۳۹۶)، بدن در ذهن: مبنای جسمانی، تخیل، و استدلال (۱۳۹۶)، استعاره: مقدمه‌ای کاربردی (۱۳۹۶)، ریاضیات از کجا می‌آید؟ چگونه ذهن جسمانی ریاضیات را خلق می‌کند؟ (۱۳۹۶)، و قلمرو تازه علوم شناختی؛ آن‌چه مقوله‌ها درباره ذهن فاش می‌کنند (۱۳۹۵).

در بخش‌های بعدی مقاله، نخست ویراست دوم نسخه انگلیسی کتاب معرفی و بررسی می‌شود. سپس، به تفصیل درباره نسخه ترجمه‌شده و نقاط قوت و ضعف آن بحث می‌شود.

۲. معرفی نسخه انگلیسی کتاب

کتاب موردنظر ویراست دوم از کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی اونگرر و اشمیت است که ویراست نخست آن را در سال ۱۹۹۶ انتشارات Addison Wesley Longman منتشر کرده است. نویسندگان، به‌فراخور پیشرفت و گسترش رویکرد زبان‌شناسی شناختی و طرح موضوعات نو در آن، اصلاحاتی در کتاب انجام داده‌اند و مطالبی به آن افزوده‌اند و در مجموع، یک فصل بر شش فصل ویراست پیشین افزوده‌اند. ویراست جدید کتاب هفت فصل دارد: ۱. «پیش‌نمونه‌ها و مقوله‌ها»، ۲. «سطوح مقوله‌بندی»، ۳. «استعاره‌ها و مجازهای مفهومی»، ۴. «نگاره و زمینه»، ۵. «قاب‌ها و ساخت‌ها»، ۶. «آمیختگی و ربط»، ۷. «دیگر موضوع‌ها در زبان‌شناسی شناختی».

افزون بر این فصل‌ها، دو بخش «درآمد» و «نتیجه‌گیری» نیز در آغاز و پایان کتاب آمده است. هم‌چنین، یکی از مزیت‌های کتاب وجود بخش «پیش‌نهادهایی برای مطالعه بیشتر» است که در آن برای هر یک از بخش‌های کتاب منابع معرفی شده است.

چنان‌که می‌توان دید، دو فصل نخست کتاب به بحث درباره مقوله‌بندی و پیش‌نمونه می‌پردازد که در زمره نخستین و مهم‌ترین بحث‌های مطرح‌شده در زبان‌شناسی شناختی از

سرآغاز پیدایش آن بوده‌اند. به عبارتی، نزدیک به یک‌سوم از حجم کتاب به بحث در این باره اختصاص یافته است و جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، و فرهنگی آن واکاوی شده است. گرچه مقوله‌بندی مبحثی بسیار بنیادین و کلیدی در زبان‌شناسی شناختی است، به نظر می‌رسد اختصاص یک‌سوم از حجم کتاب به این مبحث تا اندازه‌ای زیاده‌روی است. در مقابل، برخی دیگر از مباحث بنیادین در زبان‌شناسی شناختی چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. پیرامون بنیادها و فرض‌های اساسی زبان‌شناسی شناختی، به‌ویژه دو اصل «تعهد شناختی» (cognitive commitment) و «تعهد تعمیم» (generalization commitment)، سخن به میان نیامده است. هم‌چنین، به جهانی‌های زبان و تنوع زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی که در برابر جهانی‌های چامسکیایی و جهانی‌های رده‌شناختی مبحثی مهم به نظر می‌رسد، پرداخته نشده است. یکی از مهم‌ترین مباحث زبان‌شناسی شناختی و علوم شناختی بحث بدن‌مندی (embodiment) و شالوده‌جسمانی زبان و شناخت است. این کلیدواژه تنها دو بار در کتاب آمده است و درباره‌ی این موضوع بحث فراگیر و شایسته‌ای مطرح نشده است. گرچه برخی از مباحث مطرح‌شده در معناشناسی شناختی هم‌چون استعاره (metaphor)، مجاز (metonymy)، طرح‌واره‌های انگاره‌ای (image schema) و درهم‌آمیزی مفهومی (= آمیختگی مفهومی) (conceptual blending) مورد توجه و بحث قرار گرفته، برخی از مباحث آن هم‌چون نیروپویایی (force-dynamics) چندان مورد توجه قرار نگرفته و به اشاره‌ای بسیار گذرا بسنده شده است.

۳. نقدی بر ترجمه کتاب

کتاب مورد بررسی کتابی بسیار سودمند، پرمحتوا، و پرحجم است که ترجمه آن کاری دشوار و زمان‌بر است. ترجمه چنین کتابی به‌خودی‌خود ستودنی و شایسته تقدیر است. با این حال، ترجمه ارائه‌شده خالی از کاستی و نارسایی نیست و در این بخش، هدف ما این است که با نقد ترجمه کتاب، گامی هرچند کوتاه در جهت بهبود ترجمه‌های آتی برداریم. کاستی‌های ترجمه را در شش مقوله کلی می‌توان دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: ۱. کاستی‌های ساختاری، ۲. کاربرد واژه‌های عامیانه، ۳. کاستی‌های نگارشی، ۴. برابرناهدهای فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی، ۵. نادرستی، نارسایی، یا نایک‌نواختی ترجمه، ۶. ترجمه‌نکردن در برابر ترجمه افراطی.

۱.۳ کاستی‌های ساختاری

از کاستی‌های این ترجمه فقدان بخش کوتاهی با عنوان «پیش‌گفتار مترجم» است. بهتر بود مترجم پیش‌گفتار کوتاهی می‌نوشت و در آن اندکی درباره نویسنده و مزیت‌ها و کاستی‌های احتمالی کتاب سخن می‌گفت. از آن‌جاکه دست‌کم چهار یا پنج کتاب دیگر همانند این کتاب درباره مقدمات زبان‌شناسی شناختی نوشته شده است، مترجم می‌توانست در پیش‌گفتار خود به اختصار این کتاب را با کتاب‌های هم‌سان در این زمینه بسنجد و برتری‌ها یا ویژگی‌های برجسته کتاب را به آگاهی خواننده برساند. از دیگر کاستی‌های کتاب نبود بخش‌های نمایه و واژه‌نامه در پایان آن است. از آن‌جاکه زبان‌شناسی شناختی مفهوم‌ها و اصطلاحات نوین فراوانی را به قلمرو زبان‌شناسی آورده است و نیز باتوجه‌به نبود توافق میان زبان‌شناسان و زبان‌پژوهان ایرانی درباره برابرها و واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی این حوزه، جای خالی واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی در پایان کتاب به‌راستی احساس می‌شود. نمایه موضوعی و نمایه نام‌ها نیز در پایان کتاب می‌توانست بیاید و دسترسی خواننده را به موضوع‌های کلیدی و نام پژوهش‌گران و نویسندگان نام‌برده در کتاب آسان کند.

۲.۳ کاربرد واژه‌های عامیانه

خواننده از این ترجمه به‌مثابه یک متن علمی تخصصی انتظار دارد که از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه و غیررسمی عاری باشد، اما این انتظار کاملاً برآورده نمی‌شود و واژه‌های عامیانه در لابه‌لای ترجمه از میزان رسمیت و پختگی متن می‌کاهند. نمونه‌هایی از کاربرد واژه‌های عامیانه در ادامه می‌آید:

- واژه «قاتی» واژه‌ای عامیانه است که در عبارت «...که قاتی تصاویر دیگر یک‌به‌یک نشان داده می‌شدند...» (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۵۵)، در برابر interspersed به‌کار رفته است؛ می‌توان به‌جای آن عبارت‌های دیگری چون «آمیخته با» یا «در لابه‌لای» را به‌کار برد.
- در جمله «تصاویر (الف) و (ب) خیلی راحت خانه روستایی مقوله‌بندی شدند» (همان)، عبارت «خیلی راحت» عامیانه به‌نظر می‌رسد و می‌توان به‌جای آن نوشت: «... به‌سادگی به‌عنوان خانه روستایی مقوله‌بندی شدند».

- در نخستین بند پس از عنوان «بافت- وابستگی پیش‌نمونه‌ها و کل ساختار داخلی مقوله» (همان: ۶۸)، با عبارت «آزمایش کوچولو» روبه‌رو می‌شویم. کاربرد واژه عامیانه «کوچولو» در یک متن علمی مناسب نیست و به‌جای آن می‌توان گفت: «آزمایش کوچک». البته در بند نخست صفحه بعد همین ترجمه پیش‌نهادی به‌کار رفته است (بنگرید به همان: ۶۹).

- عبارت «یک‌کاسه‌کردن نتایج» (همان: ۲۵۳) در برابر *to integrate the results* و «تعداد وحشت‌ناکی محرک گوناگون» (همان) در برابر *a huge number of diverse stimuli* حاوی واژه‌های عامیانه‌اند.

۳.۳ کاستی‌های نگارشی

کاستی‌های نگارشی دربرگیرنده مواردی است که به نگارش واژه‌ها و عبارت‌ها و نیز نوشتن یا ننوشتن مواردی مانند پانوشت‌ها، ارجاع‌ها، و غیره مربوط می‌شود.

۱.۳.۳ ایرادهای املائی

یکی از اشکالات املائی متن ترجمه این است که میان اجزای یک واژه مرکب که باید بدون فاصله یا با نیم‌فاصله نوشته شوند، فاصله کامل درج شده است، مانند «غیر کانونی» (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۲۶)، «غیر رسمی‌تر» (همان: ۵۵)، «غیر عادی» (همان: ۵۶) و «غیر علمی» (همان: ۹۷). در برخی موارد نیم‌فاصله‌گذاری میان اجزای یک واژه چنان است که صورت واژه را برای خواننده نامأنوس و گاه نادرست جلوه می‌دهد، مانند «قلم‌رو» (همان: ۲۷)، «دست‌رسی» (همان: ۶۲)، «هم‌گن» (همان: ۶۲)، «چه‌گونه» (همان: ۶۶)، «دانش‌گاه» (همان: ۸۰)، «پژوهش‌گر» (همان: ۱۰۹)، «فروش‌گاه» (همان: ۱۲۱)، و «بازی‌کن فوتبال» (همان: ۳۵۳). در مواردی نیز شاهد جدانویسی نامناسب واژه‌ها هستیم، به‌صورتی که به‌جای نیم‌فاصله‌گذاری یا سرهم‌نویسی از خط فاصله استفاده شده است، مانند «فنجان- گونه» (همان: ۵۲)، «مساوی- اضلاع» که منظور همان متساوی‌الاضلاع است (همان: ۵۷)، «نا- بافت‌مند» (همان: ۶۹-۷۰)، «گفتمان- محور» (همان: ۷۱)، «زیر- گروه» (همان: ۷۶)، «علم- بنیاد» (همان: ۸۲)، «زیر- بخش» (همان: ۹۵)، «خود- کفا» (همان: ۱۱۱)، «چند- سطحی» (همان: ۱۱۸)، «ساخت- واژی» (همان: ۳۵۲)، «باز- انتها»

(همان)، و «واژه-سازی» (همان: ۳۵۹). از دیگر ایرادهای نگارشی کتاب این است که گاه یک واژه یا عبارت به چند صورت متفاوت نوشته می‌شود. برای نمونه، در عنوان شکل ۱-۷ (همان: ۴۵) و چند جای دیگر، ترجمه اصطلاح goodness-of-example به صورت «خوبی - مثال» نوشته شده است، در حالی که ترجمه همین عبارت در صفحه دیگر به صورت «خوبی مثال» آمده است (همان: ۶۱). نمونه دیگر این که در یک جا با صورت «نا-بافت‌مند» (همان: ۶۹-۷۰) و در جای دیگر با صورت «نابافت‌مند» روبه‌رو می‌شویم (همان: ۷۶).

ایراد نگارشی دیگری که در ترجمه کتاب به چشم می‌خورد، پرننگ‌نویسی یا کج‌نویسی واژه‌ها و عبارت‌هاست. گاه واژه‌ها و عبارت‌هایی که به منظور برجسته‌سازی در متن اصلی به صورت پرننگ یا کج نوشته شده‌اند، در متن ترجمه شده به درستی نیامده‌اند، گاه با همان قلم معمولی نوشته شده‌اند، و گاه برجسته‌سازی‌های اشتباه صورت گرفته است؛ یعنی به جای یک واژه یا عبارت واژه یا عبارت دیگری برجسته شده است. برای نمونه، در جمله «ما چه گونه مفهوم بحث را مفهوم‌سازی می‌کنیم؟» (همان: ۱۶۶) واژه «بحث» باید برجسته می‌شد. هم‌چنین، در عنوان شکل ۴-۱۵ به جای واژه «دادن» واژه «بند» برجسته شده است (همان: ۲۴۴). این گونه ایرادهای نگارشی در متن کتاب نسبتاً فراوان است و در این جا برای ذکر همه آن‌ها مجال نیست. اشتباهات املائی از دیگر ایرادهایی است که در چند مورد دیده می‌شود. برای نمونه، در هر دو پانویشت صفحه ۳۶۷ ایراد نگارشی وجود دارد: یکی در عبارت «اجاق آگاه» به جای «اجاق آگا» و دیگری جابه‌جایی در دو واژه onomatopoeic impact (بنگرید به همان: ۳۶۷).

۲.۳.۳ ایرادهای ارجاعی

ایرادهای ارجاعی ترجمه را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: ۱. ارجاع‌های برون‌متنی (ارجاع به آثار نویسندگان دیگر)، ۲. ارجاع‌های درون‌متنی (ارجاع به بخش‌های خود کتاب یا ارجاع به پی‌نوشت‌ها، شکل‌ها، جدول‌ها، و مانند این‌ها). این اشکالات بسیار است و مواردی مانند عدم شماره‌گذاری بخش‌ها، حذف نمادهای f و ff از ارجاع‌های برون‌متنی، اشتباه در نوشتن سال و شماره صفحات آثار، اشتباه در نوشتن شماره بخش‌ها، پی‌نوشت‌ها، شکل‌ها، و غیره را در بر می‌گیرد که در ادامه نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌شود.

الف. ارجاع‌های درون‌متنی: یکی از ایرادهای اساسی ترجمه این است که شماره‌گذاری بخش‌های کتاب از قلم افتاده است. در متن انگلیسی هریک از فصل‌های کتاب به چند بخش شماره‌گذاری شده تقسیم می‌شوند که در ترجمه این شیوه حذف شده است. برای نمونه، شماره بخش‌های ۱-۱، ۱-۲، و ۳-۱ نوشته نشده‌اند (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۱۷، ۴۰، ۶۸). این کاستی باعث می‌شود ارجاع‌های درون‌متنی به بخش‌های کتاب که در جای‌جای متن به چشم می‌خورد، بی‌هدف و سرگردان بماند. نمونه‌های بیش‌تر:

- در انتهای بند اول صفحه ۷۲، عدد اشاره‌گر به پی‌نوشت از قلم افتاده است؛
- در انتهای بند سوم صفحه بعد نیز عدد اشاره‌گر به پی‌نوشت حذف شده است.
- دو مورد ارجاع درون‌متنی به بخش‌های دیگر کتاب دیده می‌شود که هردو نادرست ترجمه شده‌اند: «بخش ۱-۱» و «بخش ۱-۲» که هردو به صورت «بخش ۱-۲» آمده‌اند (همان: ۱۴۲، بند آخر).
- شماره ارجاع به پی‌نوشت به جای ۲۱ به اشتباه ۱۲ نوشته شده است (همان: ۱۴۳، بند آخر).
- شماره ارجاع به پی‌نوشت به جای ۲۲ به اشتباه ۲ نوشته شده است (همان: ۱۴۴).
- به جای «بخش ۱-۱» به اشتباه «بخش ۳-۱» آمده است (همان: ۱۴۸، بند سوم).
- در صفحه ۱۵۱ در انتهای هردو بند دوم و سوم، به جای «بخش ۱-۴» به اشتباه «بخش ۴-۱» آمده است.

ب. ارجاع‌های برون‌متنی: در ارجاع‌های برون‌متنی کتاب، یعنی ارجاع به آثار نویسندگان دیگر، نیز اشکال‌هایی دیده می‌شود که نمونه‌هایی از آن‌ها در ادامه می‌آید:

- یکی از اشکالات اساسی و بسیار پرتکرار در ترجمه ارجاع‌های برون‌متنی این است که مترجم همه نمادهای f و ff را که برای اشاره به شماره صفحات پس از یک صفحه خاص به کار می‌رود، حذف کرده است. ده‌ها نمونه را می‌توان مثال زد که در ادامه چند مورد از آن‌ها آورده می‌شود.
- در صفحه ۱۵۴ در مورد شماره ۸ تنها در یک سطر سه بار ff از قلم افتاده است (همان: ۱۵۴):

Lyons (1977: 291ff), Cruse (1986: 145ff), Lipka (2002: 167ff).

در بند پایانی صفحه ۲۱۴ نیز سه مورد حذف ff از جلوی شماره صفحات روی داده است. هم‌چنین، در موارد ۲۲ و ۲۶ در صفحه ۱۵۶ و بسیاری موارد دیگر در جای جای کتاب، به‌ویژه در بخش «پیش‌نهادهایی برای مطالعه بیشتر» در پایان هر فصل (بنگرید به همان: ۲۱۴، ۱۵۶).

- در عنوان شکل ۱-۱۷ سال اثر (Lipka 1987) به اشتباه (لیپکا ۱۹۸۲) نوشته شده است (همان: ۷۹). هم‌چنین، در عنوان شکل ۷-۱۳ شماره صفحات اثر (کووچش ۲۰۰۱) ذکر نشده است (همان: ۴۳۴).

- ارجاع (Aitchison 2003: 196f) در بند پایانی صفحه ۱۲۵ به اشتباه (ایتچیسون ۲۰۰۳: ۱۹۶۱) ترجمه شده است (همان: ۱۲۵).

- ترجمه نادرست ارجاع‌ها به اندازه‌ای است که گاه، افزون‌بر سال و شماره صفحه اثر، نام نویسنده نیز اشتباه نوشته شده است؛ مانند ویلیام (۱۹۹۰: ۱۲۸) در برابر Wilson (1990: 128f) (همان: ۲۰۳).

- در عنوان شکل‌های ۴-۸ و ۴-۹ شماره صفحات مربوط به اثر (لیکاف ۱۹۸۷) از قلم افتاده است (بنگرید به همان: ۲۲۸-۲۲۹).

- در ارجاع (Sperber and Wilson 1995: 265f) شماره صفحه به اشتباه (اسپربر و ویلسون ۱۹۹۵: ۲۶) نوشته شده است (همان: ۳۸۱).

ج. پانویس: در کتاب مورد بررسی انبوهی از واژه‌های تخصصی وجود دارد که خواننده انتظار دارد حین مطالعه کتاب با معادل‌های انگلیسی آن‌ها نیز آشنا شود. معمولاً معادل انگلیسی واژه‌های تخصصی هر صفحه را در پانویس همان صفحه می‌آورند، اما این موضوع در ترجمه این کتاب به‌خوبی و به‌طور کامل رعایت نشده است و در بسیاری از موارد برای واژه‌های تخصصی پانویس ارائه نشده است. برای نمونه، برای اصطلاحات «اصل مجاورت، اصل شباهت، اصل بستار، و اصل پیوستار» (همان: ۵۶) که همگی واژه‌هایی تخصصی‌اند، معادل انگلیسی در پانویس نیامده است یا واژه «پراگمانز» معادل انگلیسی ندارد (همان: ۵۷). هم‌چنین، پنج اصطلاح تخصصی «تعمیم»، «تخصیص»، «کاربرد مجازی»، «جانیشینی»، و «انتقال معنی» وجود دارد که معادل انگلیسی هیچ‌یک از آن‌ها

پانویشت نشده است (همان: ۴۰۹). افزون‌بر این موارد و بسیاری موارد دیگر از این دست، دو مورد زیر نیز قابل توجه‌اند:

۱. پانویشت مربوط به علامت ستاره در صفحه ۸۸ از متن انگلیسی کتاب ترجمه نشده است (همان: ۱۲۵).

۲. گاه، معادل‌های انگلیسی اصطلاحات درون متن بین نشانه کمانک آمده‌اند، نه در پانویشت که این مسئله باعث ناپیک‌نواختی متن می‌شود (بنگرید به همان: ۳۹۶).

۴.۳ برابرنهادهای فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی

چشم‌گیرترین و عجیب‌ترین برابرنهاد فارسی که مترجم در ترجمه کتاب به‌کار برده است، واژه «کنایه» است که آن را برای metonymy برگزیده است. امروزه برابرنهادی که در زبان فارسی برای metonymy به‌کار می‌رود و تا اندازه‌ای رایج شده که موردپذیرش همگانی قرار گرفته است، واژه «مجاز» است. شگفت‌آور است که مترجم در واژه‌گزینی برای این اصطلاح پرکاربرد زبان‌شناسی شناختی دچار چنین خطای آشکاری شده است. حتی اگر بپذیریم که هر مترجمی حق دارد که به خواست و تشخیص خود برای واژه‌های تخصصی رایج در یک رشته برابرنهاد برگزیند، جای ایراد باقی است که چرا در جایی از ترجمه خود، مانند پانویشت، به این موضوع اشاره نکرده است که واژه «مجاز» برابرنهاد رایج و همه‌پسند برای این اصطلاح است، اما مترجم به‌دلایلی «کنایه» را بر آن ترجیح داده است. گفتنی است که «کنایه» معمولاً برابرنهاد irony است و عبارت است از به‌کاربردن واژه‌ای در معنایی که درست متضاد معنای لفظی آن واژه است (Bussmann 1996: 596). برای نمونه، هنگامی که به کسی می‌گوییم «باهوش» و منظور ما این است که او هوش پایینی دارد، کنایه به‌کار برده‌ایم.

افزون‌براین، مترجم در بسیاری از موارد برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی برابرنهادهایی آورده است که با آنچه در کتاب‌ها، رساله‌ها، و مقاله‌های فارسی حوزه زبان‌شناسی شناختی می‌بینم، تفاوت دارد و این برابرنهادها گاه چندان مناسب و رسا نیستند. در جدول زیر نمونه‌هایی از اصطلاحات انگلیسی، برابرنهادهای مترجم، و برابرنهاد پیش‌نهادی آمده است. گفتنی است که بسامد واژه‌های ارائه‌شده در ستون دوم جدول غالباً بیش از یک بار است.

جدول ۱. برابرنهادهای اصطلاحات تخصصی انگلیسی به کاررفته در کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* و برابرنهاد پیش‌نهادی

| واژه انگلیسی | برابرنهاد مترجم و شماره صفحه | برابرنهاد پیش‌نهادی |
|--------------------------|------------------------------|-------------------------------------|
| metonymy | کنایه، ۱۷۴-۲۱۶ | مجاز |
| frame | چهارچوب، ۲۷۳-۳۳۱ | قاب/ قالب |
| model | مدل، ۷۶ | انگاره |
| figure and ground | شکل و زمینه، ۲۱۹-۲۶۸ | نگاره و زمینه |
| blending | آمیزه، ۳۳۷-۳۸۶ | آمیختگی/ درهم‌آمیزی |
| idealization | ابدئال‌سازی، ۷۶ | آرمانی‌سازی |
| generic level | سطح جنس، ۹۷ | سطح عام |
| parasitic categorization | مقوله‌بندی انگل‌وار، ۱۱۰ | مقوله‌بندی وابسته |
| locative | اندری، ۱۵۱ | مکانی |
| type-of relationship | نوع- رابطه، ۹۴ | رابطه نوعی- از |
| type-of hierarchy | نوع- سلسله‌مراتب، ۱۲۰ | سلسله‌مراتب نوعی- از |
| type-of compound | نوع- ترکیب، ۱۳۲ | ترکیب نوعی- از |
| image schema | طرح‌واره تصویری، ۱۵۱ | طرح‌واره انگاره‌ای/ طرح‌واره تصویری |
| source domain/concept | حوزه/ مفهوم منبع، ۱۶۲ | حوزه/ مفهوم مبدأ |
| target domain/concept | حوزه/ مفهوم هدف، ۱۶۲ | حوزه/ مفهوم مقصد |
| script | ویژه‌طرح‌واره، ۷۳ | طرح‌واره پویا |
| speech act | کنش‌گفتار، ۲۱۲ | کارگفت |
| theme | مضمون، ۲۴۱ | پذیرا/ کنش‌رو |
| profile | نیم‌رخ، ۲۵۴ | برنما |
| profiling | نیم‌رخ‌برداری، ۲۵۳ | برنمایی |
| scan | اسکن، ۲۵۹ | پیمایش |
| specificity | تخصیص، ۲۶۵ | مشخص‌بودگی |
| felicity condition | شرایط لطافت، ۲۶۶ | شرایط کارآیی |
| superordinate category | مقوله شامل، ۱۰۱-۱۲۳ | مقوله فرامرتبه |
| subordinate category | مقوله مشمول، ۱۰۱-۱۲۳ | مقوله فرورمرتبه |
| perspective | دیدگاه، ۲۷۳ | چشم‌انداز |
| vantage point | موضع مساعد، ۲۶۶ | نگرگاه/ دیدگاه |

| برابرنهاد پیش‌نهادی | برابرنهاد مترجم و شماره صفحه | واژه انگلیسی |
|-------------------------|------------------------------|-----------------------|
| زمینه‌سازی / زمینه‌بخشی | ریشه، ۲۶۷ | grounding |
| زبان‌شناسی اجتماعی | جامعه‌شناسی زبان، ۷۲ | sociolinguistics |
| دستوری‌شدگی | دستوری‌سازی، ۴۱۹-۴۲۷ | grammaticalization |
| دستوری‌زدایی | دستوری‌سازی-زدایی، ۴۲۶ | de-grammaticalization |
| شمایل | تصویرگون، ۳۹۱ | icon |

افزون بر موارد فهرست‌شده در جدول ۱، برابرنهادهای زیر نیز خالی از ایراد نیست:

- برای واژه pragmalinguists معادل فارسی «زبان‌شناسان کاربرد - شناخت» به کار رفته است (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۷۱)، اما بهتر است از معادل «زبان - کاربردشناسان» استفاده شود.
- اصطلاح role archetypes «صورت‌های نوعی نقش» ترجمه شده، درحالی‌که برابرنهاد رایج برای archetype در فارسی «کهن‌الگو» است و درست آن است که «کهن‌الگوهای نقش» ترجمه شود. دو سطر پایین‌تر، در برابر همین اصطلاح، «صورت‌های نوع نقش» آمده است (همان: ۲۳۵).
- دو اصطلاح تخصصی «causation» و «causative» که در زبان‌شناسی بسیار رایج‌اند و برابرنهادهای «سببی‌سازی / سببیت» و «سببی» برای آن‌ها جاافتاده است، به ترتیب «علیت» و «علی» ترجمه شده‌اند (همان: ۲۹۸). اصطلاحات «غیر - علی»، «روی‌داد - علیت»، «مسبب - علیت»، و «کنش‌گر - علیت» نادرست یا دست‌کم نامناسب‌اند و بهتر است به جای آن‌ها «غیرسببی»، «سببیت - روی‌داد»، «سببیت - باعث»، و «سببیت - کنش‌گر» به کار رود (همان).

۵.۳ نادرستی، نارسایی، و نایک‌نواختی ترجمه

از مهم‌ترین نقدها به ترجمه کتاب این است که گاه ترجمه واژه‌ها، عبارت‌ها، یا جمله‌ها به‌درستی انجام نشده، گاه ترجمه ارائه‌شده نارساست، و گاه نایک‌نواختی در آن دیده می‌شود. در ادامه، نمونه‌هایی از هر سه ایراد پیش‌گفته (نادرستی، نارسایی، و نایک‌نواختی ترجمه) ارائه و بررسی می‌شود.

۱.۵.۳ نادرستی ترجمه

از کاستی‌های دیگری که ترجمه کتاب دارد، این است که گاه عبارت‌ها و جمله‌ها به‌درستی ترجمه نشده‌اند. در ادامه، به ذکر مواردی از ترجمه نادرست پرداخته می‌شود:

عبارت attribute-listing experiments به‌صورت «آزمایش‌های صفت-فهرست‌کن» ترجمه شده است (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۴۹)، اما بهتر است ترجمه آن به‌صورت «آزمایش‌های فهرست‌بندی صفت» یا «آزمایش‌های فهرست‌کردن صفت» باشد. در صفحه دیگر، همین عبارت انگلیسی به‌صورت «آزمایش فهرست-صفت» ترجمه شده است (همان: ۱۳۰). در اینجا نه تنها با ترجمه نادرست یا دست‌کم نارسا، بلکه با نیک‌دستی در ترجمه نیز مواجهیم.

- در عبارت «اصل پیوستار»: استمرار عناصر، اگر فقط...» (همان: ۵۷، بند ۱)، که ترجمه‌ای برای پاره‌گفتار زیر است، واژه «استمرار» اضافی است.

‘principle of continuation’: elements will be perceived as wholes if they only have few interruptions.

- جمله «اما، شکل فقط یک جنبه از سازمان و اجسام گشتالت است» (همان: بند ۳)، به‌عنوان ترجمه جمله زیر آمده است:

However, shape is just one aspect of the gestalt of organisms and objects,

چنین می‌نماید که در این جا واژه organisms که به‌معنای «جان‌داران، موجودات زنده» است، به‌اشتباه organization دیده شده و به همین دلیل «سازمان» ترجمه شده است. در ضمن، بهتر است که objects را «اشیا» ترجمه کنیم، نه «اجسام». در بند بعدی و نیز در جاهای دیگر، واژه object «جسم» ترجمه شده است که خوانند ممکن است آن را به «بدن/تن» تعبیر کند. از این رو، برابر نهاد «شیء» برای آن مناسب‌تر است.

- در عنوان شکل ۱-۹، «گزینه‌ای از طرح‌های اجسام فنجان-گونه...» (همان: ۵۳) باید به‌صورت «گزینه‌ای از...» ترجمه شود، زیرا متن انگلیسی آن a selection of است. همین اشتباه در عنوان شکل ۲-۱ نیز تکرار شده است (همان: ۹۶).

- دو واژه physiologists و physiological به‌ترتیب، به‌صورت «زیست‌شناسان» و «زیست‌شناسی» ترجمه شده‌اند (همان: ۶۲، بند ۳ و ۴) که نادرست است. معادل زیست‌شناسی در انگلیسی biology است. در اینجا باید ترجمه به‌صورت «کاراندام‌شناسان» و «کاراندام‌شناختی» (برابرنهادهای مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی) یا به‌صورت «فیزیولوژیست» و «فیزیولوژیکی» باشد که رایج‌ترند.

- عبارت «...از مفهوم عینی‌تر "تصویر" یا "طرح‌واره‌ی تصویری" تا "بازنمایی" انتزاعی‌تر "یک مقوله" یا ایدئال تغییر کنند» (همان: ۶۳، بند ۴) به‌عنوان ترجمه بخشی از متن زیر نادرست است:

So that definitions may range from the more concrete notion of 'image' or 'schema' to the more abstract 'representation of a category' or 'ideal' according to the categories to which they are applied....

ترجمه درست آن به این صورت می‌تواند باشد: «...از مفهوم عینی‌تر "تصویر" یا "طرح‌واره" تا مفهوم انتزاعی‌تر "بازنمایی" یا "ایدئال" متغیر باشند».

- عبارت semantic unit به اشتباه «واحد صدا» ترجمه شده (همان: ۷۱، بند ۲) و در پانویشت نیز به اشتباه segment unit نوشته شده است. همچنین، به جای «زبان‌شناسان شناختی» به اشتباه «زبان‌شناسان زبان» آمده است (همان).

- در برخی موارد، عبارت in this sense را باید به صورت «از این نظر / لحاظ / جهت» ترجمه کرد و نه به صورت «در این مفهوم». برای نمونه، عبارت «در این مفهوم صفت‌ها جزء جدایی‌ناپذیر تحقیق تجربی در مورد ساختارهای مقوله هستند» (همان: ۶۴، بند آخر)، بهتر است به صورت «از این نظر (از این جهت / از این لحاظ)، صفت‌ها جزء جدایی‌ناپذیر...» نوشته شود.

- عبارت anthropological linguistics به «زبان‌شناسی مردم‌شناسی» ترجمه شده است (همان: ۷۶-۷۷)، درحالی‌که «زبان‌شناسی مردم‌شناختی» درست است.

- عبارت cultural model به اشتباه «بافت فرهنگی» ترجمه شده است (همان: ۸۴)، درحالی‌که برپایه واژه‌گزینی مترجم باید «مدل فرهنگی» و بهتر آن است که «انگاره فرهنگی» باشد.

- عبارت schematic representation در عنوان شکل ۳-۲ (همان: ۱۰۲) به اشتباه «بازنمایی معنایی» ترجمه شده که درست آن «بازنمایی طرح‌واره‌ای» است.

- عبارت «هم‌زیستی سطح پایه و مقوله‌های پیش‌نمونه» نادرست است و باید به صورت «هم‌زیستی مقوله‌های سطح پایه و پیش‌نمونه» درآید (همان: ۱۰۷).

- عبارت scientific and folk taxonomies revisited به صورت «رده‌بندی‌های علمی و عامیانه بازهم به هم رسیدند» ترجمه شده است، درحالی‌که ترجمه درست آن «بازنگری رده‌بندی‌های علمی و عامیانه» می‌تواند باشد، زیرا revisit به معنای

بازنگری/ بازبینی کردن است (همان: ۱۲۰). جالب این‌جاست که در صفحه ۲۶۱ عنوان syntactic figure and ground revisited به صورت «بازهم درباره شکل نحوی و زمینه نحوی» ترجمه شده است که هرچند درست‌تر از ترجمه قبلی است، دقیق نیست (بنگرید به همان: ۲۶۱).

- عبارت type-of hierarchies vs part-whole hierarchies به صورت «نوع - سلسله‌مراتب‌ها در برابر سلسله‌مراتب‌های جزء - کل» ترجمه شده است (همان: ۱۲۳)؛ ترجمه درست «سلسله‌مراتب‌های نوعی - از در برابر سلسله‌مراتب‌های جزء - کل» است. در صفحه بعد نیز عبارت «نوع - رابطه» (همان: ۱۲۴) را می‌بینیم که شکل درست آن «رابطه نوعی - از» است. این‌گونه ترجمه‌های نادرست نشان می‌دهند که مترجم منظور نویسنده را به درستی متوجه نشده است، زیرا در غیر این صورت به سادگی درمی‌یافت که «رابطه جزء - کل» و «رابطه نوعی - از» دو نوع رابطه رایج در میان مفاهیم‌اند (همان: ۱۲۳-۱۲۴).

- «آنچه به همین اندازه مهم است، مقوله‌های منبع پایه است: یعنی اثری از گل، سنگ، و سکه در عبارت زبانی دیده نمی‌شود» (همان: ۱۳۸، بند ۲)، ترجمه‌ای است برای متن زیر:

What is equally noticeable is that the basic source categories, i.e. FLOWER, DOG and COIN, are not signalled in the linguistic expression.

ترجمه درست می‌تواند به این صورت باشد: «آنچه به همین اندازه مهم است این است که مقوله‌های مبدأ پایه، یعنی گل، سنگ، و سکه، در عبارت زبانی متجلی نمی‌شوند.

- واژه organisms در عنوان نخستین زیربخش از فصل دوم (همان: ۹۳) به صورت «موجودات» ترجمه شده است، در حالی که موجودات دربرگیرنده اشیا و پدیده‌های غیرجاندار هم می‌شود. همین اشتباه در ترجمه تکرار شده است (همان: ۱۴۷ و ۱۵۰). ترجمه درست برای organisms «جان‌داران/ موجودات زنده» است.

- مترجم در ترجمه پاره‌متن زیر به اشتباه both را اشاره‌گر به «دو ادعای عمده» دانسته است، در حالی که به استعاره و مجاز (به تعبیر مترجم: کنایه) اشاره دارد. از این رو، این‌گونه ترجمه کرده است: «...دو ادعای عمده زبان‌شناسان شناختی در توصیف استعاره در مورد کنایه هم به کار خواهند رفت (لیکاف و ترنر ۱۹۸۹: ۱۰۳): هر دو ادعا ماهیت مفهومی دارند و به عنوان فرایندهای نگاشت فهمیده می‌شوند» (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۱۷۴، بند ۶).

...two major claims made by cognitive linguists in the description of metaphor also apply to metonymy (Lakoff and Turner 1989: 103): both are seen as being conceptual in nature and both can be understood as mapping processes.

ترجمه درست پاره‌متن چنین می‌تواند باشد: «... دو ادعای عمده زبان‌شناسان شناختی در توصیف استعاره، درباره مجاز نیز مصداق دارد (لیکاف و ترنر ۱۹۸۹: ۱۰۳): هردوی آن‌ها (استعاره و مجاز) دارای ماهیت مفهومی هستند و هردو به‌مثابه فرایند نگاشت تلقی می‌شوند».

- عبارت referential function (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۱۷۸، بند ۱) به‌جای آن‌که «کارکرد ارجاعی» یا «نقش ارجاعی» ترجمه شود، به‌اشتباه «تابع ارجاعی» ترجمه شده است. چنین می‌نماید که مترجم از اصطلاح «تابع» که در ریاضیات برابری function است، استفاده کرده است. جالب است که چند سطر پایین‌تر، عبارت highlighting function به‌درستی «کارکرد برجسته‌سازی» ترجمه شده است (همان).

- در عنوان زیربخش صفحه ۱۸۱، emotions and physiological metonymies به‌اشتباه «عواطف به‌عنوان کنایه‌های فیزیولوژیکی» ترجمه شده که صورت درست آن «عواطف و مجازهای فیزیولوژیکی» است. در عنوان زیربخش صفحه ۱۹۱ نیز عبارت emotion scenarios and prototypicality به‌صورت «سناریوهای عاطفی و پیش‌نمونه» ترجمه شده است که «سناریوهای عاطفی و پیش‌نمونه‌نگی» درست است (بنگرید به همان: ۱۸۱، ۱۹۱).

- اصطلاح user-friendly که اصطلاحی رایج در علوم رایانه است، «کاربر-یار» ترجمه شده، درحالی‌که برابری رایج و مناسب آن «کاربرپسند» است (بنگرید به همان: ۲۰۰).

- «اما دو رویکرد با شباهت خیلی فاصله دارند» (همان: ۲۷۸، بند ۲) ترجمه درست و رسایی برای عبارت زیر نیست:

However, the two approaches are far from identical.

ترجمه پیش‌نهادی: «باین‌حال، دو رویکرد اصلاً یکسان نیستند».

- اصطلاحات گوناگونی در عبارت‌های زیر نادرست یا دست‌کم نارسا ترجمه شده‌اند:

windowing of attention in motion event-frames:

«پنجره‌گشایی توجه در روی‌داد- چهارچوب حرکت» (همان: ۲۹۲)؛

ترجمه پیش‌نهادی: «توجه‌گشایی در قاب‌های روی‌داد حرکتی».

causal-chain windowing:

«پنجره‌گشایی علی - زنجیره‌ای» (همان: ۲۹۸)؛

ترجمه پیش‌نهادی: «توجه‌گشایی زنجیره سببی».

causal-chain event-frame:

«روی‌داد - چهارچوب زنجیره - علی» (همان: ۲۹۹، بند ۴)؛

ترجمه پیش‌نهادی: «قاب‌روی‌داد زنجیره سببی». جالب است که در سطر بعدی، همین عبارت به صورت «چهارچوب - روی‌داد زنجیره - علی» آمده است (همان).

- در عنوان هردو زیربخش صفحه ۳۶۸ واژه texts به اشتباه «بافت» ترجمه شده است. از این رو، عبارت «بافت‌های تبلیغاتی» باید به «متون تبلیغاتی» تبدیل شود.

- عبارت «... و اخیراً تغییرات رادیکال برحسب جانشینی یا انتقال معنی» (همان: ۴۰۹) ترجمه درستی برای متن زیر نیست:

...and to mention the most radical change last, in terms of substitution or semantic shift.

به جای آن، «... و در پایان بنیادی‌ترین تغییر برحسب جانشینی یا انتقال معنایی» ترجمه درستی می‌تواند باشد.

- سطر نخست از متن زیر عنوان «تصویرگونگی» در صفحه ۳۹۱ درست ترجمه نشده است: «مطالعه تصویرگونگی، یا به بیان ملموس‌تر، زبان لال‌بازی دنیا، عمدتاً در زمره آن پژوهش‌هایی است که با زبان‌شناسی شناختی شروع نکرده‌اند» (همان: ۳۹۱).

the study of iconicity, or more tangibly, of language miming the world, ranks prominently among those lines of research that have not been initiated by cognitive linguists.

ترجمه پیش‌نهادی: «مطالعه تصویرگونگی، یا به بیان ملموس‌تر، مطالعه زبان تقلیدکننده جهان در زمره خطوط پژوهشی است که آغازگر آن زبان‌شناسان شناختی نبوده‌اند».

- صفت iconic در سه اصطلاح انگلیسی متفاوت به دو صورت «تصویرگون» و «تصویرگونی» ترجمه شده است. در ضمن، تنها معادل انگلیسی یکی از این سه اصطلاح در پانویشت آمده است و معادل دو اصطلاح دیگر نیامده است (همان: ۳۹۳).

- عنوان شکل ۷-۷ به اشتباه به صورت «مقوله ایده: جمله‌های ساده و برجسب‌های معانی» (همان: ۴۱۶) ترجمه شده است. عنوان در متن مبدأ چنین است:

the category IDEA: sample sentences and semantic labels

ترجمه پیش‌نهادی: «مقوله "ایده": جمله‌های نمونه و برجسب‌های معنایی».

- عبارت «حالتِ موردِ آزمونِ ما یکی از مشهورترین...» ترجمهٔ درستی برای عبارت زیر نیست:

Our test case is one of the best-known instances of grammaticalization in English

ترجمهٔ پیش‌نهادی: «موردِ آزمایشی ما یکی از شناخته‌شده‌ترین...».

- اصطلاح propositional schemas بارها به اشتباه «طرح‌واره‌های حرف‌اضافه‌ای» ترجمه شده است (بنگرید به همان: ۴۲۴). چنین می‌نماید که مترجم proposition را با preposition اشتباه گرفته و به جای «طرح‌واره‌های گزاره‌ای» این ترجمهٔ نادرست را به کار برده است. چنین اشتباه‌هایی در ترجمهٔ اصطلاحات تخصصی آسیب و نارسایی جدی را در ترجمه پدید می‌آورد.

- عبارت «رویکردِ گشتالت به فراگیری موضوع‌های دستوری و پیش‌دستوری» (همان: ۴۳۷) به عنوان ترجمهٔ متن زیر نادرست است:

the gestalt approach to grammatical issues and pre-grammatical learning

ترجمهٔ پیش‌نهادی: «رویکرد گشتالت به مسائل دستوری و یادگیری پیش‌دستوری».

- در عنوان جدول ۷-۱۷ واژهٔ complement به اشتباه «مؤلفه» ترجمه شده، درحالی‌که درست آن «متمم» است. چنین می‌نماید که مترجم این واژه را component دیده است (بنگرید به همان: ۴۴۱).

- اصطلاح argument-structure به جای آن‌که «ساختار موضوعی» ترجمه شود، به نادرستی «موضوع- ساختار» ترجمه شده است (همان: ۳۲۳). هم‌چنین، اصطلاح caused-motion، به جای «حرکت سببی»، «حرکت- واداشته» ترجمه شده، درحالی‌که در سطرهای پیش‌تر causation به «علیت» ترجمه شده است (همان: ۳۲۰).

- عبارت to cope with به اشتباه «برای رقابت با» ترجمه شده است (همان: ۳۸۶)، درحالی‌که «ازعهده برآمدن» ترجمهٔ درست است.

The notion of figure and ground should be given a speaker- and hearer-oriented interpretation to cope with the cognitive aspects of relevance.

- عبارت Holistically experienced به اشتباه «به‌لحاظ تاریخی تجربه‌شده» ترجمه شده است که صورت درست آن «به‌صورت کلی تجربه‌شده» می‌تواند باشد (همان: ۴۰۷).

- واژهٔ prototypicality به اشتباه «پیش‌نمونه» ترجمه شده است که باید «پیش‌نمونی» باشد (همان: ۴۰۹).

بررسی و نقد کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* (پارسا بامشادی) ۲۱

- عبارت the appropriate cognitive term به‌اشتباه «اصطلاح شناختی کنار گذاشتن» ترجمه شده است (همان: ۴۱۴)، در حالی که آن را می‌توان «اصطلاح شناختی مناسب» ترجمه کرد.

- عبارت the frequency-filtered vocabulary items به‌اشتباه «اقلام واژگانی بسامد- از صافی گذشته» ترجمه شده است (همان: ۴۳۲). درست آن است که به‌صورت «اقلام واژگانی از صافی بسامد گذشته یا اقلام واژگانی غربال شده براساس بسامد» ترجمه شود.

۲.۵.۳ نارسایی ترجمه

خواننده کتاب گاه با ترجمه‌هایی روبه‌رو می‌شود که معنا و مقصود مورد نظر نویسنده را به‌خوبی منتقل نمی‌کنند و به‌عبارتی، نارسا هستند. نمونه‌هایی از نارسایی در ترجمه به شرح زیر است:

- عبارت «آزمون‌های نامیدن لباو» (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۵۵) ترجمه رسایی برای عبارت انگلیسی ذیل نیست:

Labov's naming tests.

بهرتر است به‌صورت «آزمون‌های نام‌گذاری لباو» یا «آزمون‌های نام‌دهی لباو» ترجمه شود.
- «فقط در بازاندیشی آزمودنی‌ها می‌توانستند برخی ویژگی‌های فردی را...» (همان: ۵۶).

only on second thoughts were the informants able to pinpoint certain individual properties....

این متن بهتر است به‌صورت «آزمایش‌شوندگان صرفاً با بازاندیشی می‌توانستند برخی ویژگی‌های فردی را...» ترجمه شود.

زبان فارسی زبانی ضمیرانداز (pro-drop) است و در بسیاری از موارد فاعل‌های ضمیری را حذف می‌کند. حذف فاعل ضمیری جمله را روان‌تر می‌کند. برای نمونه، در جمله «وقتی با جانوری برخورد می‌کنیم ما مقوله‌بندی آن را با ارزیابی صفت‌های خاص شروع نمی‌کنیم...» (همان: ۵۴) یا در جمله «با ره‌ساختن حوزه "اسمی" اجسام و حوزه "فعلی" کنش‌ها... ما با یک معما برخورد می‌کنیم» (همان: ۱۴۸)، حذف فاعل ضمیری به روانی و رسایی متن کمک می‌کند، اما هم‌چنان که در مواردی عدم حذف فاعل ضمیری مایه ناروانی متن می‌شود، در مواردی نیز حذف آن مایه ناخوانایی متن است. برای نمونه، جمله

«می‌تواند از تجربیات مقوله‌بندی استنتاج شود» (همان: ۶۳)، به دلیل ترجمه‌نکردن فاعل *it* ابهام دارد. ضمیر *it* به واژه *prototype* در جمله پیشین برمی‌گردد و از این رو می‌توان نوشت: «پیش‌نمونه می‌تواند از تجربیات مقوله‌بندی استنتاج شود».

- عبارت «باین‌حال، در این مثال‌ها چیزی بیش‌تر از انتقال پیش‌نمونه‌ها در خطر است» (همان: ۶۹)، ترجمه‌ای است که برای جمله زیر ارائه شده است:

however, more than a shift of prototypes is at stake in these examples.

در این جا *be at stake* نه به معنای «درخطر / مخاطره‌بودن» بلکه به معنای «موردبحث‌بودن» یا «زیرسؤال‌بودن» است. باتوجه‌به این موضوع و برپایه بافت متن می‌توان جمله زیر را این‌چنین ترجمه کرد: «باین‌حال، آنچه در این مثال‌ها موردبحث است چیزی بیش از تغییر پیش‌نمونه است».

- جمله «استعاره‌ها و کنایه‌ها از لحاظ سنتی بازی با کلمات در نظر گرفته می‌شدند» (همان: ۱۷۵)، ترجمه جمله زیر است:

“traditionally, metaphors and metonymies have been regarded as figures of speech”
«بازی با کلمات» ترجمه مناسبی برای *figures of speech* نیست. این اصطلاح در ادبیات به معنای «صنایع بدیع» به کار می‌رود و از نظر نگارنده «آرایه گفتار» یا «آرایه سخن» می‌تواند برابرنهاد مناسبی برای آن باشد. همین اصطلاح در دومین عنوان همان صفحه «ابزار ادبی» ترجمه شده است و در متن زیر همین عنوان، عبارت *figurative senses* «مضمون‌های مجازی» و *figurative language* «زبان مجازی» ترجمه شده است. در همه این موارد می‌توان برابرنهاد «آرایه» و «آرایه‌ای» را به کار برد. از این رو، افزون‌بر نارسایی در ترجمه با نایک‌نواختی در ترجمه نیز روبه‌رویم.

- عبارت «واژه‌های نام‌آوا (تصویرگون، تصویر)» (همان: ۴۰۶) باید به «واژه‌های نام‌آوا (تصویر تصویرگونه)» تبدیل شود.

- «برجسته‌ترین شبکه پیش‌نهادشده، تاکنون نظریه‌ای است که مطرح می‌کند چگونه فضاهای ذهنی ساخته می‌شوند و در خلال پردازش در جریان زبان درهم می‌آمیزند» (همان: ۳۳۷) برای جمله زیر نادرست است:

the most prominent framework proposed so far is the theory of how mental spaces are constructed and blended during online language processing.

ترجمه درست چنین می‌تواند باشد: «برجسته‌ترین چهارچوب پیش‌نهادشده تاکنون نظریه‌ای است درباره این‌که فضاهای ذهنی چگونه درحین پردازش برخط زبان ساخته و آمیخته می‌شوند».

- عبارت the frame notion: different conceptions and related concepts به صورت «مفهوم چهارچوب: مفاهیم متفاوت و مفاهیم وابسته» ترجمه شده است و در آن هر سه واژه conception, notion و concept «مفهوم» ترجمه شده‌اند (بنگرید به همان: ۲۷۶). هرچند در فارسی معمولاً برای برای هر دو واژه notion و concept معادل «مفهوم» به کار می‌رود، conception را باید «برداشت/ دریافت» ترجمه کرد. از این رو، بهتر است این عنوان را به صورت «مفهوم قاب: برداشت‌های متفاوت و مفاهیم مرتبط» ترجمه کنیم.

- اصطلاح predicate «گزاره» ترجمه شده است (بنگرید به همان: ۱۹۹). این اصطلاح که در برخی رشته‌ها هم چون فلسفه، منطق، و زبان‌شناسی کاربرد دارد، معمولاً «محمول» ترجمه می‌شود و predicate and subject اغلب «محمول و موضوع» گفته می‌شود. «گزاره» برابر نهاد رایج و مناسبی برای proposition است. افزون بر نمونه‌های بالا، موارد دیگری از ترجمه نادرست یا نارسای واژه‌ها را در ترجمه کتاب می‌توان یافت که فهرست‌وار در جدول آمده‌اند.

جدول ۲. نمونه‌هایی از ترجمه‌های نادرست یا نارسا در کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* به همراه ترجمه‌های پیشنهادی

| معادل انگلیسی | صفحه و بند | ترجمه نادرست/ نارسا | ترجمه پیشنهادی |
|------------------------|--|-----------------------------------|----------------------------|
| classification | ۹۴، بند ۳ | رده‌بندی | طبقه‌بندی |
| default assignment | ۲۸۱، بند آخر | تکالیف پیش فرض | تخصیص پیش فرض |
| dictionary | ۲۷۸، بند ۲ | دیکشنری | واژه‌نامه؛ فرهنگ واژگان |
| event-frames | ۲۸۸ | روی داد - چهارچوب‌ها | قاب‌ها/ قالب‌های روی داد |
| framework | ۳۳۷، بند ۲ | شبکه | چهارچوب |
| inner-space | ۳۵۳، بند ۳ | داخل - فضا | درون فضایی |
| open-ended | ۷۳، بند آخر | باز - انتها | کران‌گشاده |
| path-windowing | ۲۹۳، عنوان شکل ۵-۱۰ ۲۹۷، عنوان شکل ۵-۱۲ | مسیر - پنجره‌گشایی | توجه‌گشایی مسیر |
| potential | ۲۰۸، عنوان زیربخش | پتانسیل | قابلیت/ توان‌مندی |
| principle of unpacking | ۳۴۹، بند ۱ | اصل تجزیه یا از بسته‌بندی بازکردن | اصل بسته‌گشایی |
| stage metaphor | ۲۴۵، عنوان زیربخش | استعاره مرحله | استعاره صحنه |
| thesaurus | ۹۴، بند آخر | تزاروس | گنجینه واژگانی، فرهنگ واژه |
| windowing of attention | ۲۷۸، بند ۲؛ ۲۹۲، عنوان زیربخش | پنجره توجه؛ پنجره‌گشایی توجه | توجه‌گشایی |

۳.۵.۳ نایک‌نواختی ترجمه

منظور از نایک‌نواختی ترجمه این است که گاه برابرنهادهای به‌کاررفته برای واژه‌های انگلیسی یک‌دست نیستند و یک واژه به دو یا چند صورت متفاوت ترجمه می‌شود. نمونه‌هایی از این ایراد ترجمه‌ای به شرح ذیل است:

- واژه teddy bear نخست به صورت «خرس (اسباب‌بازی)» ترجمه شده است، اما در سطرهای بعد به صورت «تدی‌بیر» و «تدی» آمده است (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۶۰)، درحالی که teddy bear را به «خرس عروسکی» و teddy را به «عروسک» می‌توان ترجمه کرد.

- جمله مثال یک بار به صورت «پسرچه با سطل و بیل خود یک قصر ماسه‌ای می‌ساخت» و بار دیگر در عنوان شکل ۱-۱۳ به صورت «پسرچه با سطل و بیلش یک قصر ماسه‌ای می‌سازد» ترجمه شده است (بنگرید به همان: ۷۱-۷۲).

- در بند دوم از صفحه ۹۴، عبارت class inclusion «شمول طبقه» ترجمه شده است، اما در همان صفحه ترجمه classification به صورت «رده‌بندی» آمده است؛ بهتر است «طبقه‌بندی» ترجمه شود، زیرا «رده‌بندی» اصطلاحی تخصصی در زبان‌شناسی است که به جای typology به کار می‌رود. جالب این جاست که در صفحه ۹۷ همین واژه در عبارت «طبقه‌بندی گیاهان» درست ترجمه شده است و «رده‌بندی» به عنوان برابرنهاد taxonomy به کار رفته است (بنگرید به همان: ۹۴، ۹۷). این گونه آشفتگی و نابه‌سامانی در واژه‌گزینی آسیب جدی‌ای به ترجمه و درک آن می‌زند و به اصلاح و یک‌سان‌سازی نیازمند است.

- واژه identity در درون شکل ۶-۱ به نادرستی «شناسایی» ترجمه شده، ولی در متن زیر شکل به درستی «این‌همانی» ترجمه شده است (همان: ۳۴۱).

- اصطلاح source concept که در بحث استعاره و مجاز به کار می‌رود، در مواردی «مفهوم منبع» (همان: ۱۷۲-۱۷۳) و در موارد دیگر «مفهوم مبدأ» (همان: ۱۶۷) ترجمه شده است. برابرنهاد درست و جاافتاده همان «مفهوم مبدأ» است.

- اصطلاح windowing of attention یک بار «پنجره توجه» ترجمه شده، اما در موارد دیگر «پنجره‌گشایی توجه» ترجمه شده است (بنگرید به همان: ۲۷۸-۲۸۸، ۲۹۲-۲۹۳). پیش‌نهاد نگارنده این است که «توجه‌گشایی» ترجمه شود.

- عبارت generic level در بند دوم صفحه ۹۷ و چند بند بعدی به نادرستی «سطح جنس» ترجمه شده است، اما درون شکل ۲-۲، «عام» در برابر generic و «جنس» در برابر genus به کار رفته است. در بند پایانی صفحه ۹۸ و صفحه‌های بعدی generic level به درستی «سطح عام» ترجمه شده است (بنگرید به همان: ۹۷-۹۸).
- دو اصطلاح verb-framed و satellite-framed به صورت «فعل - چهارچوب‌بخش» و «قمر - چهارچوب‌بخش» ترجمه شده، اما در بندهای بعدی «فعل - چهارچوب‌بخشیده» و «قمر - چهارچوب‌بخشیده» ترجمه شده‌اند (بنگرید به همان: ۳۰۷).
- اصطلاح prototype split به صورت «شکافت پیش‌نمونه» ترجمه شده (همان: ۴۴۱)، اما در صفحه در بند سوم «انشعاب پیش‌نمونه» آمده است.

۶.۳ ترجمه‌نکردن در برابر ترجمه افراطی

در بخش پیشین به ذکر مواردی از ترجمه نادرست، نارسا، و نایک‌نواخت در متن پرداختیم، اما ایرادهای ترجمه‌ای کتاب به همین موارد خلاصه نمی‌شود و دو مورد ترجمه‌نکردن برخی عبارات و ترجمه غیرضروری یا افراطی را نیز باید به این فهرست افزود.

در برخی موارد دیده می‌شود که مترجم برخی واژه‌ها یا عبارات را ترجمه نکرده است و آن‌ها را به همان صورت آوایی انگلیسی ولی به خط فارسی نوشته است.

- ترجمه‌نکردن عنوان کتاب‌های مرجع در متن یکی از ایرادهای ترجمه‌ای به‌شمار می‌آید. گاه عنوان کتاب‌ها ترجمه نشده و به همان صورت انگلیسی تنها فارسی نویسی شده‌اند: «لانگمن لکزیکان» و «کانسایز آکسفورد دیکشنری» (اونگر و اشمیت ۱۳۹۷: ۱۴۵) که معادل انگلیسی آن‌ها به این صورت است: «Longman Lexicon»، «Concise Oxford Dictionary».

- هم‌چنین، در ترجمه با عبارات‌های «آکسفورد دیکشنری آف نیو وورلدز» و «آکسفورد /دونسدلرنر» روبه‌رو می‌شویم (همان: ۳۶۶، ۴۲۱)، درحالی‌که بهتر است عنوان کتاب‌ها به فارسی ترجمه شوند و معادل انگلیسی آن‌ها در پانویس بیابند.

- به‌جای «مقوله‌های بیولوژیکی» (همان: ۱۰۴) بهتر است که «مقوله‌های زیست‌شناختی» نوشته شود.

- واژه relay به صورت «رله» (همان: ۳۶۸) و واژه strategy به صورت «استراتژی» (همان: ۴۰۳-۴۰۷) بی ترجمه مانده‌اند. همین‌طور، در برابر topology principle «اصل توپولوژی» آمده است (همان: ۳۴۸).

در نقطه مقابل، گاه مترجم کوشیده است که حتی مثال‌های انگلیسی را ترجمه کند که به ترجمه آن‌ها نیازی نبوده است. پافشاری مترجم بر ترجمه یکایک واژه‌های کتاب تا آن‌جا پیش می‌رود که عبارت there-element انگلیسی را به صورت «ذر- عنصر» (همان: ۲۵۰) ترجمه کرده است. در همین بند و بند بعدی آن با ترجمه‌های زیر روبه‌رو می‌شویم:

| | |
|----------------------|---------------|
| there | «ذر» |
| there- constructions | «ذر- ساخت» |
| there- subject | «ذر- فاعل» |
| there- sentences | «ذر- جمله‌ها» |

افزون‌بر آن‌که فارسی‌نویسی there به این صورت لازم نیست و حتی نادرست است، ترجمه سه عبارت آخری نیز نادرست است. درست آن است که به صورت «ساخت there»، «فاعل there»، و «جمله‌های دارای there» ترجمه شوند.

هم‌چنین، گاه واژه‌های انگلیسی که نویسنده آن‌ها را به عنوان مثال ذکر کرده است، نیز ترجمه شده‌اند، در حالی که بهتر است مثال‌های این‌چنینی به فارسی برگردانده نشوند، چراکه میان آن‌ها و معادل فارسی‌شان انطباق معنایی کامل و تناظر یک‌به‌یک وجود ندارد. برای نمونه، حروف اضافه off, out, up و in به صورت «در، بالا، خارج، یا آف (off)» به فارسی ترجمه شده‌اند (همان: ۱۵۱).

- در مثال‌های ارائه‌شده در شکل ۳-۱۵ عبارت‌هایی مانند «پدری یک بچه کردن»، «معلمی یک دانش‌آموز کردن» و «مؤلف یک کتاب جدید»، «به پایین تپه اسکی‌آیدن»، «اره‌آیدن شاخه» و مانند این‌ها را می‌بینیم (بنگرید به همان: ۲۱۰). بهتر است این مثال‌ها ترجمه نشوند و اصل انگلیسی آن‌ها بیاید و اگر اصرار بر ترجمه آن‌هاست، بهتر است در کنار ترجمه فارسی اصل مثال انگلیسی نیز بیاید. هم‌چنین، به جای ترجمه‌های پیش‌گفته بهتر است به صورت «پدری کردن برای یک بچه»، «معلمی کردن برای یک دانش‌آموز»، «نویسندگی کردن یک کتاب»، «اسکی کردن به پایین تپه»، و «اره کردن شاخه» ترجمه شوند.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی و نقد ترجمه کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* (نوشته ف. اونگر و ه. ی. اشمیت، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، ۱۳۹۷، انتشارات آگاه) پرداخته شد و کوشش شد تا با نگاهی موشکافانه کاستی‌ها و نارسایی‌های این کتاب شناسایی و واکاوی شود. در پایان، مهم‌ترین ملاحظات را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

- متن ترجمه‌شده از لحاظ نگارشی به ویرایش جدی نیاز دارد؛
 - واژه‌گزینی برای اصطلاحات تخصصی و گاه غیرتخصصی به بازنگری نیاز دارد. تسلط‌نداشتن مترجم بر اصطلاحات تخصصی رایج در زبان‌شناسی شناختی و برابرنهادهای فارسی آن‌ها گاه ترجمه را نارسا کرده است؛
 - سه ایراد اساسی در برگردان واژه‌ها، عبارت‌ها، یا جمله‌ها به فارسی عبارت‌اند از: نادرستی ترجمه، نارسایی ترجمه، و نایک‌نواختی ترجمه. با بازخوانی کل کتاب و توجه ویژه به نمونه‌های ارائه‌شده در بخش‌های پیشین مقاله می‌توان این ایرادها را تا اندازه زیادی رفع کرد و به ترجمه درست‌تر، سنجیده‌تر، و پخته‌تری دست یافت؛
 - با ویرایش جدی و دقیق می‌توان کلیت متن را، از لحاظ جمله‌بندی، روان‌تر و شیواتر ساخت؛
 - نبود پانویس برای اصطلاحات تخصصی و نام نویسندگان یکی از کاستی‌های مهم کتاب است.
 - بسیاری از ارجاع‌های درون‌متنی و برون‌متنی به واری و اصلاح نیاز دارند.
- روی هم‌رفته، با اطمینان می‌توان گفت که کتاب نیازمند بازنگری و ویرایش انشایی، املائی، و ترجمه‌ای جدی است و امید است که این کار در ویراست بعدی آن انجام گیرد.

کتاب‌نامه

- اوتز، وی‌ویان و ملانی گرین (۱۳۹۸)، *الف - ب زبان‌شناسی شناختی*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
- اونگر، فریدریش و هانس یورگ اشمیت (۱۳۹۷)، *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.

جانسون، مارک (۱۳۹۶)، *بدن در ذهن: مبنای جسمانی، تخیل و استدلال*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

جانسون، مارک (۱۳۹۶)، *زیبایی‌شناسی فهم انسان؛ معنای بدن*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
فلدمن، جروم (۱۳۹۷)، *از مولکول تا استعاره (نظریه نرونی زبان)*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

کوچش، زولتان (۱۳۹۶)، *استعاره: مقدمه‌ای کاربردی*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
کوچش، زولتان (۱۳۹۶)، *استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

لانگاکر، رونالد (۱۳۹۷)، *مبانی دستور شناختی*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
لی، دیوید (۱۳۹۷)، *زبان‌شناسی شناختی؛ یک مقدمه*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
لیکاف، جورج (۱۳۹۵)، *قلمرو تازه علوم شناختی؛ آنچه مقوله‌ها درباره ذهن فاش می‌کنند*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

لیکاف، جورج و رافائل ای. نونیس (۱۳۹۶)، *ریاضیات از کجا می‌آید؟ چه‌گونه ذهن جسمانی ریاضیات را خلق می‌کند؟*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۷)، *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

Bussmann, H. (1996), *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*, G. Trauth and K. Kazzazi (trans. And eds.), London, New York: Routledge.

Croft, W. and D. Alan Cruse (2004), *Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Dancygier, B. (ed.) (2017), *The Cambridge Handbook of Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Evans, V. (2007), *A Glossary of Cognitive Linguistics*, Edinburgh: Edinburgh University Press.

Evans, V. and M. Green (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University Press.

Geeraerts, D. and H. Cuyckens (eds.) (2007), *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*, Oxford: Oxford University Press.

Geeraerts, D., R. Dirven, and J. R. Taylor (eds.) (2006), *Cognitive Linguistics: Basic Readings*, Berlin, New York: Mouton de Gruyter.

Lee, D. (2001), *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Oxford: Oxford University Press.

Ungerer, F. and Hans-Jörg Schmid (2006), *An Introduction to Cognitive Linguistics*, Harlow: Pearson Education Limited.